

نشریه فرهنگی - مذهبی

ترنم مهر

آبان ماه ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه تخصصی زینبیه


مدیر مسئول: سرکار خانم دکتر مرضیه عبدلی

سر دبیر : سرکار خانم دکتر مرضیه عبدلی

طراح : خانم مرضیه ابراهیمی

اعضای هیئت تحریریه: خانم زینب طهماسبی، خانم فاطمه بیگدلو، خانم اکرم خدادادی،
خانم سارا بیات، خانم سیده شبنم میرجلالی، خانم مرضیه ابراهیمی، خانم مهناز عظیمی

ویراستار: سرکارخانم کلثوم رجبی



بسم الله الرحمن الرحيم



فهرست مطالب

۴ سخن سر دییر
۵ دنوشتہ
۶ توصیه مقام معظم رهبری به جوانان
۷ راهبردهای تربیتی امام علی علیه السلام
۹ مقام و منزلت حضرت معصومه سلام الله علیها
۱۰ سبک زندگی قرآنی
۱۱ اسوه های صبر و مقاومت
۱۲ نامه به کودکان غزه
۱۳ اخبار مدرسه
۱۴ ترجمه و شرح حکمت های نهج البلاغه
۱۶ زندگی به سبک شهدا
۱۷ در محضر خوبان
۱۸ سلسله مباحث مهدویت



سخن سردیر

از ابتدای بعثت پیامبر اکرم صلوات الله و سلامه علیه تا امروز، مهم‌ترین وجه‌های از دین نورانی اسلام که مورد بی‌مهری بلکه هجمه‌ی دشمنان خارجی و داخلی قرار گرفت، وجهه‌ی سیاسی آن بود. آن روزی که حرمت خانه‌ی امیرالمومنین و فاطمه زهرا علیهما السلام هتک شد، شعار هتاکان «لاتجتمع النبوه و الخلافه فی بیت واحد» بود و دشمنان و در رأس آنها یهود کینه توز همواره تلاش کردند و تلاش می‌کنند که اسلام را دینی فردی و منحصر در اخلاق و معنویات معرفی کنند و وجوه متعالی اسلام در حوزه‌ی حکومت‌داری و سیاست را محبوب و منزوی نمایند. در حالی‌که اراده‌ی خداوند متعال بر این امر تعلق گرفته که درست از همان جهتی که اسلام را پوشانده بودند، چهره‌ی مشعشع آن نمایان و عالم‌گیر شود.

امروز جنایات کم‌سابقه‌ای در تاریخ سفاکی‌های بشر، در حال رقم خوردن است. یک نگاه به این واقعه، نگاه از منظر انسانی و تأسف بر حال زار بشریت است. دیدن آن‌هایی که مستقیم و غیرمستقیم مرتکب این جنایات می‌شوند و آنان که نظاره‌گران ساکتند. بی‌تردید این درجه از سُبُعیت و بی‌غیرتی قلب هر انسانی را به درد می‌آورد.

اما از منظر دیگری هم می‌توان به این اتفاق نگریست. آنجا که استقامت و مقاومت در باور و عمل کودک و زن و مرد فلسطینی تجلی می‌یابد و معنا می‌شود. آنجا که غزه می‌شود آزمون غیرت و شرافت. آنجا که غزه می‌شود معراج روح آزاد انسانی و همان‌طور که طنین صدای عاشورا- که در آن بهترین انسان‌ها، تشنه لب به گودال قتلگاه رفتند و اهل بیت پیامبر علیهم السلام رخت اسارت به تن کردند- در سال ۶۱ هجری فرونشست و در دل تاریخ حرکت کرد و هیچ جریان مستکبر زورمداری نتوانست این صدا را خاموش کند و حرارتش را از قلب‌ها بزداید، آهنگ مظلومیت مردم غزه نیز نه تنها خاموش نخواهد شد بلکه همواره در گوش جهان طنین‌افکن خواهد شد و به اراده‌ی الهی منشأ ایجاد تحولات عظیم در دنیای اسلام گردیده و منجر به تغییر معادلات عالم به نفع مظلومین خواهد شد. (ومکروا ومکرا الله والله خیر الماکرین)

در این میانه، وظیفه‌ی قطعی و مسلم همه‌ی ما اولاً همدلی و دعا برای پیروزی جبهه‌ی اسلام، ثانیاً کمک‌های مالی به جبهه‌ی مقاومت است. ولی آن چه که از همه مهم‌تر است تبیین مظلومیت مردم مظلوم و رنج‌کشیده‌ی فلسطین از یک سو و افشاگری از چهره‌ی پلید استکبار جهانی از سوی دیگر است تا برای آنان که تاکنون نفهمیده‌اند، آشکار شود که چگونه مدعیان حقوق بشر و حقوق زن و حقوق کودک این‌گونه بی‌پروا زن و کودک و پیر و جوان را سلاخی می‌کنند و اکثر حکام عرب هم نه‌تنها به خاطر ضعف و زبونی و وابستگی، جرأتی برای دم زدن ندارند، بلکه در نظم خودکامه‌ی جهانی، استحاله شده و هویت اسلامی و غیرت عربی خود را از دست داده‌اند.

... آری امروز عاشورایی دیگر در حال رقم خوردن است و غیرت و اراده‌ی بانوان زینبی را فرامی‌خواند که بپاخیزید و این مظلومیت را به گوش جهانیان برسانید و با عزم الهی قدرت‌های دنیا را به زانو درآورید.



دلی نوشته



میدانی چقدر تنهایی، ترس هامان را میشناسی، چیزی در سینه مان گذاشتی به نام قلب، فودت شدی مقلب القلوب.. و صراط مستقیمت و منقلب کن ما را ، به فودم آمدم، یکباره ترس هایم ریفت، چقدر امید در دلم افتاد، چقدر آرام شدم. فودت یادمان دادی صبر کنیم و یادمان دادی به سمت تو بیاییم، همین که تو ما را می بخشی، همین که تو ما را میفوهای. کافی ست....باید این را سر در جهان قاب کنند، « قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ »

سوره زمر آیه ۳۵

به قلم خانم سیده شبنم میرجلالی

دانش آموخته سطح ۲



هرشب تنهایی گوشه ای با کتابت کز میکنم، با دلی پر از اندوه، آیه ها را خط به خط میخوانم جزء ها را صفحه به صفحه پیش می روم به دنبال ماشیه امن ات، در جستجوی آغوش گرمی و به دنبال کلامت که آرامش کند، من به " الْقَوْرُ الْمُبِين " طمع دارم، به "وَلَا مَوْفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

" مریص ام، دست هایم را دراز میکنم اما به تو نمی رسم آیات عذاب را میخوانم، آنقدر میخوانم تا برسم به اِلَّا... اِلَّا مَن تَابَ وَصَلَحَ " آرام می شوم.

پشت سر ابراهیم علیه السلام تکرار میکنم: « اِنِّیْ وَجَّهْتُ وَجْهَیْ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ مَنِیْفا » منیفا را جور دیگری میخوانم، با نگاهی عمیق به " اَوَّلَئِكَ لَهُمُ الْاَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ " چشم میدوزم، تو ما را خوب بلدی.



توصیه مقام معظم رهبری به جوانان توصیه مقام معظم رهبری به جوانان

زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

جوانهای ما بروند تاریخ زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از منابع محکم و مستند بخوانند و ببینند چه اتفاقی افتاده است اگر شما می بینید امتی به این عظمت به وجود آمد که امروز هم بهترین حرف ها بهترین راه ها بزرگترین درس ها، شفافش ترین داروها برای بشریت توی همین مجموعه امت اسلامی است اینچور به وجود آمد.

جوان بسیجی

جوانی که در روی نیروی مقاومت بسیج به عنوان یک نیروی بسیجی خود را خدمتگزار اهداف انقلاب و آرمان های اسلامی می داند، باید چنان خود را بسازد که مثل شمعی پروانه ها را به دور خود جمع کند و سازندگی علمی اخلاقی معنوی فکری و سیاسی داشته باشد.

چرا بیزاری

جوانان اول انقلاب نیازی به تحلیل در مورد مبارزه با آمریکا نداشتند زیرا ظلم و ستم آمریکا و حمایت آن از رژیم بی رحم طاغوت را دیده بودند، اما جوان امروز باید با تحقیق و تحلیل درست دریابد که چرا ملت ایران با استکبار و رویکردهای آمریکا مخالف است و دلیل بیزاری ملت ایران از آمریکا چیست؟

آگاهی و هوشیاری

ما از هر اقدام مسئولان که در جهت مصلحت کشور باشد حمایت می کنیم اما این توصیه را هم به جوانان داریم که چشم های خود را کاملا باز کنید زیرا تنها رسیدن به اهداف ملت حفظ آگاهی و هوشیاری است.

خطر پذیری

خطر پذیری می تواند جامعه را موفق کند، شما جوان ها باید آماده باشید، ترس از اینکه شاید نشود این خیلی چیز بدی است، گاهی اوقات تصورات انسان یک آینده ای را برای انسان تصور می کند که به کلی او را مایوس می کند این به نظر من یکی از ایرادهاست.



راهنمای تربیتی امام علی علیه السلام

ج) حضور در محضر الهی

مسلمان به گونه ای تربیت می شود که عالم را محضر خدا می شمارد و خداوند را بر اعمال و رفتار خود شاهد و ناظر می داند. حضرت امیر (علیه السلام) که می فرمودند: «اگر پرده ها کنار زده شود، ذره ای به یقین و اعتقاد افزوده نمی شود»، در مورد درک محضر الهی می فرمایند: «خدا رحمت کند انسانی را که همیشه پروردگارش را در نظر دارد و از گناه کناره بگیرد و با خواهش دل بجنگد و آرزوی دنیایی خود را تکذیب کند».

د) اولویت بخشی به حیات اخروی در عین توجه به حیات دنیوی

در اسلام ترک دنیا و گوشه گیری محکوم است. در عین حال، اساس، جهانی پایدارتر از زندگانی فانی دنیوی است. امام متقین در نکوهش دنیاگرایی و رفاه زدگی و غفلت از جهان باقی می فرمایند: «یکی در دنیا برای آخرت کار می کند و آنچه را هم که از دنیا بر او مقدر است به دست می آورد و در حقیقت هر دو بهره را جمع می کند و هر دو سرا را به دست می آورد».

ه) جامعیت و شمول

در منطق تربیتی اسلام، همه ابعاد وجودی انسان محترم و ارزشمند است؛ هم به جسم و جانش و هم به عقل و روانش توجه می شود. اجازه ضرر و زیان به انسان نمی دهد و در عین حال از مسلمان می خواهد که در صیانت و استفاده بهینه و مطلوب از عقل کوشا باشد. عقل را میزان سنجش صحیح از مقیم معرفی می کند و قلب را نیز کانون عواطف عالی انسانی برمی شمارد. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ، مَا أَوْضَحَ لَكَ سُبُلَ غَيْبِكَ؛ از خرد، تو را همین بس، که راه گمراهی ات را از راه رستگاری ات نمایان می سازد».

واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنای زیادت و فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است و در اصطلاح به معنای فراهم کردن زمینه مناسب برای پرورش استعدادهای جسمانی و روحانی و هدایت آنها در جهت مطلوب و جلوگیری از انحراف و ناهنجاری هاست.

ویژگی های تربیت

اسلام در تربیت چهره ممتازی دارد و بر خلاف نظام های متداول که فاقد جهات متعالی هستند دارای زیربنای معنوی و جهان بینی الهی است. از دایره تنگ ماده پرستی فراتر می رود و بر اساس متافیزیک و اعتقاد به ماوراء الطبیعه، زمینه هدایت انسان را فراهم می آورد و به شاخصه های زیر توجه دارد:

الف) تزکیه و اصلاح نفس

اسلام به خودسازی توجه دارد و هر کس را مسئول اعمال خویش می داند. اسلام می خواهد انسان قبل از هدایت دیگران به تزکیه و تهذیب نفس خویش مبادرت ورزد و کوشش کند تا حرف و عملش یکسان شود. حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِيْنَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِيْنَ لَهُ وَ النَّاهِيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِيْنَ لَهُ؛ لعنت خدا بر آنان که به معروف فرمان دهند و خود آن را وا گذارند و از منکر باز دارند و خود آن را به جا آورند».

ب) هدایت و مواظبت از دیگران

انسان نه تنها مسئول اعمال و رفتار خود است، بلکه باید در مقابل لغزش دیگران بی توجه نباشد و آنان را با ارشاد و راهنمایی و امر به معروف و نهی از منکر به راه راست هدایت کند. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «وَأَنْهَوْا غَيْرَكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَنَاهَوْا عَنْهُ فَإِنَّمَا أُمِرْتُمُ بِاللَّهِی بَعْدَ التَّنَاضُحِ؛ نهی کنید دیگران را از ارتکاب منکر و خودتان هم دست بکشید؛ زیرا شما مأمور شده اید که نهی از منکر کنید، پس از آن که خوشتن دار باشید».



(و) هماهنگی با فطرت انسان

تربیت اسلامی برنامه هایش بر فطرت انسانی استوار است و می‌کوشد تا از فطرت‌ها حجاب زدایی کند، آن را شکوفا سازد و در جهت زیبایی، دوستی، آزادی، رأفت‌گرایی و عدالت خواهی گام بردارد و میثاق‌های به فراموشی سپرده شده را یادآور شود. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «آن‌گاه که بیشتر آفریدگان از فطرت خویش برگشتند و طومار عهد در نوردیدند، حق او را نشناختند و برابر او خدایانی ساختند، شیطان‌ها آنان را از خداشناسی به گمراهی کشیدند و پیوندشان را با پرستش الهی بریدند، پس (خداوند) هر از چند گاهی پیامبرانی فرستاد و به وسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق فطرت بگزارند و نعمت فراموش شده را به یاد آورند». با مشخصه‌ها و ویژگی‌های یاد شده، توجه به تربیت، اهمیت دادن به حیاتی‌ترین مقوله انسانی است. انسان‌ها به سبب تربیت درست، مسیر تعالی و تکامل را می‌پیمایند و با تربیت نادرست از مسیر کمال باز می‌مانند. پیشوایان معصوم (علیهم السلام) مسئله تربیت را در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند و حتی در بحرانی‌ترین شرایط نیز به این مهم توجه داشته‌اند. بنابراین هدف از تربیت، انسان‌سازی و پرورش ابعاد معنوی و شخصیتی انسان است، هدف تربیت اسلامی آگاه ساختن انسان از پایگاه وجودی خویش و شکوفایی لطافت وجودی و حرکت دادن وی بر اساس فطرت و سرشت اوست و در این رهگذر، روش‌های تربیتی خاصی را در دستور کار قرار می‌دهد.

مؤثرترین روش‌های تربیتی

در حقیقت، تربیت به معنای دقیق آن، انتخاب بهترین روش‌ها در موقعیت‌ها و شرایط خاص است و مراد از روش، راه و طریقه‌ای است که میان اصل و هدف در امتداد است و عمل تربیتی را منظم می‌کند، روش‌ها و چگونگی به کارگیری آنها همواره مورد توجه امام پروا پیشگان بوده است. ما به تناسب این مقام مهم‌ترین آنها را مورد مذاقه و بررسی قرار می‌دهیم:

روش الگویی

همانند سازی و درس‌آموزی در زمینه‌های گوناگون از دوران کودکی آغاز می‌شود. نوزاد انسان از پنج ماهگی به تقلید حالات و حرکات اطرافیان می‌پرازد و خود را در مسیر هماهنگی و همانندی با محیط پیرامون قرار می‌دهد.

با افزایش سن و تجارب ذهنی، تقلید به شکل آگاهانه‌ای صورت می‌پذیرد و در حیطه اراده قرار می‌گیرد و با دخالت آگاهی و اراده، رفتارها تحت کنترل قرار می‌گیرند و جهت‌مند می‌شوند. برخی از روان‌شناسان چون ویلیام جیمز و بالروین و جان واتسون تقلید را در همه مراحل زندگی امری غریزی و غیر ارادی می‌دانند.

روش امر به معروف و نهی از منکر

یکی از سازوکارهای مهم کنترل اجتماعی در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر به صورت حکم شرعی از کارایی مؤثرتری برخوردار است، زیرا مردم احساس تکلیف شرعی می‌کنند و با حضور فعال به رویارویی با آسیب‌های اجتماعی، فردی و قانون شکنی‌ها برمی‌خیزند و در پاسداری از هنجارهای دینی تلاش می‌کنند.

روش محبت

محبت از دیگر روش‌های تربیت است که با فطرت و سرشت آدمی سازگار است. در سیره معصومین (علیهم السلام) نیز چشاندن طعم شیرین محبت به انحاء مختلف دیده می‌شود. این بزرگواران با محبت، زمینه رشد و هدایت افراد را فراهم می‌آورند. محبت ممکن است در تبسم یا آهنگ کلام یا در عمل تجلی یابد، بنابراین، هیچ‌گاه نباید محبت را از فرزندان دریغ داشت، البته انسان در هر سنی نیازمند محبت است.

منابع:

- معجم مقاییس اللغة
- نهج البلاغه
- الکافی، ج ۸
- تربیت و شخصیت انسانی، سید مجتبی هاشمی
- مبانی جامعه‌شناسی، منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق



مقام و منزلت حضرت فاطمه معصومه (س)

معصومه سلام الله عليها نیز چنین بود. روایاتی که از آن حضرت نقل شده غالباً درباره امامت و ولایت علی (علیه السلام) است که با اثبات ولایت او ولایت سایر امامان معصوم نیز ثابت می شود.

همچنین در باب جایگاه علمی حضرت معصومه (سلام الله عليها) نقل شده است که روزی عده ای از شیعیان وارد مدینه شدند و پرسش هایی داشتند که می خواستند از محضر امام کاظم (علیه السلام) بپرسند و ایشان در سفر بود. از این رو فاطمه معصومه (سلام الله عليها) پاسخ آن پرسش ها را نوشت و به آنان تسلیم نمود. آنان از مدینه خارج شده و در بیرون شهر با امام کاظم (علیه السلام) مصادف شدند. هنگامی که امام پرسش های آنان و پاسخ های معصومه (سلام الله عليها) را مشاهده کرد، سه بار فرمود: «فَإِذَاهَا أَبَوَاهَا»؛ (پدرش به فدایش باد)



فهرست منابع:

- بحار الأنوار، محدباقر مجلسی، ج ۵۷
- همراه زائران قم و جمکران، همان، ص ۶۱؛ کشف اللثالی، نقل از: کریمه اهل بیت (س)، مهدی پور، علی اکبر، نشر حاذق، قم، ۱۳۷۴ هـ ش، چاپ اول، ص ۶۳ و ۶۴.

حضرت معصومه (س) دختر امام کاظم (ع) جایگاه معنوی و علمی بسیار بالایی دارند و در قیامت شیعیان را شفاعت می کنند. ایشان به دلیل فشاری که بر اطرافیان امام کاظم (ع) وجود داشت ازدواج نکرد و در سال ۲۰۱ هـ ق، به قصد دیدار برادر به سوی خراسان حرکت کرد. وقتی به ساوه رسید بیمار شد و پس از عزیمت به قم از دنیا رفت. بر اساس روایات وارده، زیارت قبر مبارکشان دارای ثواب فراوانی می باشد.

مقامات حضرت معصومه (سلام الله عليها)

حضرت معصومه (سلام الله عليها) بعد از پدر، در سال ۱۷۹ تحت کفالت برادرش حضرت امام رضا (علیه السلام) قرار گرفت و تا سال ۲۰۰ (هـ ق) یعنی ۲۱ سال تمام، در کنار برادر بزرگوارشان به مقامات عالی و کمالات علمی و معنوی و اخلاقی دست یافت؛ برخی از مقامات ایشان عبارت است از:

مقام شفاعت

در مقام و منزلت و جایگاه ابن بانوی بزرگوار نزد اهل بیت (علیهم السلام) همین بس که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «...أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قُمْ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تُدْخَلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ» (۵)؛ (آگاه باشید بهشت هشت در دارد که سه در آن به سوی قم است. بانویی از فرزندان من در آنجا وفات می کند که نامش فاطمه دختر موسی است. همه شیعیان ما به شفاعت او وارد بهشت می شوند).

مقام علمی و حدیثی

حضرت معصومه (سلام الله عليها) از لحاظ علمی و حدیثی مثل مادرش حضرت زهرا (سلام الله عليها) «عالمه» و «محدثه» بود و همان گونه که حضرت زهرا (سلام الله عليها) با استدلالهای متین و استوار، حقایق ولایت حضرت علی (علیه السلام) را تبیین می کرد، حضرت



ساده حرف بز نیم

"قَوْلًا مَّيْسُورًا" اسراء ۲۸

پیچیده حرف زدن هنر نیست. "روان حرف بز نیم"

کلام رسا باشد

"قَوْلًا بَلِيغًا" نساء ۶۳

زیبا باشد

"وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا" بقره ۸۳

بهترین کلمات را انتخاب کنیم

"يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" اسراء ۵۳

"وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا" فصلت ۳۳

سخن هایمان روح معرفت و جوانمردی داشته باشد

"وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا" نساء ۵_۸ ، احزاب ۳۲

سخن دارای بار معنایی خوب و مناسب باشد

"قَوْلًا ثَقِيلًا" مزمل ۵

گردآورنده:

خانم سارا بیات. طلبه پایه پنجم

چگونه سخن بگوییم؟

خصایص گفتار نیک از منظر زلال وحی

آگاهانه باشد

"وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ" اسراء ۳۶

نرم باشد

"قَوْلًا لَّيِّنًا" طه ۴۴

زبانمان تیغ نداشته باشد.

حرفی که می زنیم خودمان هم عمل کنیم

"لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ" صف ۲

منصفانه باشد

"وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا" انعام ۱۵۲

حرفمان مستند باشد

"قَوْلًا سَدِيدًا" احزاب ۷۰ ، نساء ۹

منطقی حرف بز نیم

اسوه های صبر و مقاومت

مأموریت داده شد؛ همراه و هماهنگی آقای لاهوتی نماینده امام در سپاه، مرحوم سماوات و محمدزاده برای تشکیل سپاه غرب کشور اقدام کنیم». پس از دریافت حکم ما چهار نفر به کرمانشاه رفتیم و باید با لحاظ کردن اوضاع و شرایط سیاسی آن جا پنج نفر را برای شورای سپاه انتخاب می کردیم. برای این کار تحقیقاتی پنهانی از منابع مختلف بهره می گرفتیم. بعد از انتخاب باید در مرحله بعد به بحث و گفت و گوی عقیدتی و ایدئولوژی می نشستند و پس از تأیید هر چهار نفر ما به عنوان عضو شورای مرکزی سپاه منطقه مربوط معرفی می شدند».

نخستین زنی که فرمانده سپاه شد

بعد از کرمانشاه و ایلام، نوبت همدان شد و آنچنان که خواهر طاهره در خاطراتش آورده با درخواست آیت الله شهید مدنی، مسئولیت سپاه همدان را برعهده گرفت و فرمانده وقت کل سپاه با آن موافقت کرد.

فرماندهی سپاه، فصل جدیدی در زندگی مرضیه حدیدچی بود؛ مقطعی که فرصتی شد تا او به عنوان نخستین زن انقلابی، توانمندی فوق العاده خود در مدیریت یک نهاد نظامی را نشان دهد.

ادامه دارد...

مرضیه حدیدچی دباغ اولین فرمانده زن سپاه در همدان، در اوج ناباوری فرمانده سپاه شد؛ اسلحه به دست می گرفت و بیشتر شبها تا صبح کشیک می داد؛ روزهای سختی بود و ضد انقلاب بدجوری امان مردم را بریده بود. زن بود، اما به تمام معنا مرد بود؛ مانند بلند به تن می کرد؛ گره روسری اش را محکم می کرد و اسلحه را روی دوشش می انداخت. در لبنان و سوریه آموزش های چریکی را دیده بود؛ روحیه مقاومتی داشت و شکنجه در زندان ساواک آب دیده اش کرده بود. هیچ چیز او را از پا در نمی آورد حتی رنج دوری از همسر و فرزندان.



هشت فرزندش را سالها ندیده بود که مبارزه با طاغوت، خانه به دوشش کرده بود؛ لبنان، سوریه و سپس پاریس. در آنجا با سید روح الله آشنا شد؛ امین بیت امام خمینی (ره) و محافظ ایشان بود. انقلاب که پیروز شد به وطن برگشت؛ حالا همه «خواهر طاهره» را می شناختند؛ زنی از تبار الوند که از نزدیک ترین یاران امام خمینی بود. پس از تشکیل سپاه به فرمان امام خمینی (ره) با حکم ایشان، مأمور تشکیل سپاه در غرب شد ماجرای که خود به شرح آن پرداخته است: «به من

گردآورنده:

خانم زینب طهماسبی. طلبه پایه سوم

رشته اخلاق و تربیت اسلامی

نامه به زنان و کودکان غزه



به قلم خانم فاطمه بیگدلو

طلبه پایه سوم رشته اخلاق و تربیت

بسم الله القاصم الجبارین

چشم های سرخ زیتون

میخواهم از غزه بنویسم ولیکن کلمات در یک حوض جمع نمی‌شوند و قطره قطره از خیالم پراکنده می‌شوند به سمت و سوی دیگری ... باید سجاده را به سمت کعبه پهن کنم، دانه‌های تسبیح را با ذکر یا رزاق پایین بیندازم تا بلکه معجزه‌ای شود و بتوانم از این غم حجیم سخن بگویم.

تاریخ در هر صفحه از تقویم روزگار در حال تکرار است . حسینی‌ها همانند و یزیدی‌ها همان . گویا این باد متوقف شده و ورق کتاب تاریخ روی صفحه‌ی جنگ صفین مانده است و ورق نمی‌خورد ! سپاه دشمن قرآن را بر روی نیزه زده و خیالاتی در سر دارد

فلسطین نماد تا پای جان در راه عشق ایستادن است...

برخیز ای زیتون خونین؛ برخیز ای نوار غزه؛ دیوارهای حائل ترک برداشته، پوشال های پادشاهی، فرو ریخته؛ برخیز بیت المقدس؛ که سروسراپا مقاوم است..!

بخوان والتین والزیتون که شد طوفان الاقصی

و سبحان الذی اسری؛ من الغزه الی الاقصی

اخبار مدرسه



**تجمع مدیر، اساتید و کادر و
طلاب مدرسه علمیه تخصصی
زینیه کرج علیه جنایت های رژیم
اشغالگر قدس**





ترجمه و شرح حکمت‌های نهج البلاغه

نه قوت و قدرت چندانی دارد که بتوان بر پشت او سوار شد و نه پستان پر شیری (زیرا هم کم سن و سال است و هم نر) و به این ترتیب هیچ گونه استفاده‌ای از آن در آن سن و سال نمی‌توان کرد.

از اینجا روشن می‌شود که هدف امام این است که انسان به هنگام شورش‌های اهل باطل و فتنه‌های ناشی از خصومت آنها با یکدیگر نباید آلت دست این و آن شود؛ باید خود را دور نگه دارد و به هیچ یک از دو طرف که هر دو اهل باطل اند کمک نکند. در این گونه موارد معمولاً هر کدام از طرفین به سراغ افراد بانفوذ

و باشخصیت می‌آیند تا از نفوذ و قدرت آنها برای کوبیدن حریف استفاده کنند. در این هنگام باید این افراد بلکه تمام افراد، خواه ضعیف باشند یا قوی نهایت مراقبت را به خرج دهند که در دام فتنه گران و غوغاسالاران نیفتند مبادا دین و یا دنیای آنها آسیب ببیند و همان گونه که در بالا آمد در بعضی از روایات جمله «وَلَا وَبَرٍ فَيُسَلَّبَ» نیز به آن افزوده شده است یعنی شتر دو ساله پشمی هم ندارد که آن را بچینند و از آن استفاده کنند. نمونه این فتنه‌ها در صدر اسلام و قرون نخستین فراوان بود که امامان اهل بیت و یارانشان همواره از آن کناره‌گیری می‌کردند حتی داستان قیام ابو مسلم بر ضد بنی امیه گرچه در ظاهر برای کوبیدن باطلی بود ولی در باطن برای تبدیل باطلی به باطل دیگر و حکومت بنی عباس به جای بنی امیه بود.



حکمت ۱ نهج البلاغه: هوشیاری در فتنه‌ها

قَالَ (عليه السلام): كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَأَيِّنِ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرُ فَيْرَكَبَ وَلَا ضَرْعُ فَيُحْلَبَ.

علی (علیه السلام) فرمود: به هنگام بروز فتنه چون اشتر دو ساله باش که نه پشتی استوار دارد که بر آن سوار توان شد و نه پستانی شیرده، که از آن شیر توان دوشید.

بهترین روش در فتنه‌ها:

امام (علیه السلام) در این حکمت پرمعنا می‌فرماید: «در فتنه‌ها همچون شتر کم سن و سال باش؛ نه پشت او قوی شده که سوارش شوند نه پستانی دارد که بدوشند»؛ (قَالَ (عليه السلام): كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَأَيِّنِ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرُ فَيْرَكَبَ، وَلَا ضَرْعُ فَيُحْلَبَ). (۱)

برای روشن شدن محتوای این کلام بسیار پرمعنا لازم است قبلاً دو واژه «فتنه» و «ابن لبون» تفسیر شود:

فتنه، از ماده «فتن» (بر وزن متن) در اصل به معنای قرار دادن طلا در کوره است تا خالص از ناخالص جدا شود سپس به معنای هرگونه آزمایش و امتحان و بلا و عذاب و حتی شرک و بت پرستی و آشوب‌های اجتماعی آمده است و در اینجا منظور همان آشوب‌های اجتماعی است. لبون، به شتری گفته می‌شود که به جهت زائیدن مکرر پیوسته در پستانش شیر است (لبون به معنای شیر دار است از ماده لبن) و ابن لبون به بچه چنین شتری گفته می‌شود که دو سال آن تمام شده و وارد سال سوم شده است.



که می فرماید: «فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ؛ إِنْ كَرِهَتْهُمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ غَيْرِهِمْ» (و اصلاح در میان آن دو از طریق مسالمت آمیز امکان پذیر نشد) با جمعیت ستمگر پیکار کنید تا به سوی حق باز گردند».

ممکن است تفاوت بین جمله «لَا ظَهْرَ فَيْرَكَبُ» و جمله «وَلَا ضَرْعٌ فَيَحْلُبُ» در این باشد که نه کمک های مستقیم به فتنه جویان کن (مانند سواری دادن مرکب) که خودش وارد معرکه شود و نه کمک های غیر مستقیم مانند کمک های مادی به این گروه ها کردن رواست شبیه شیر دادن برای تغذیه افراد.

پی نوشت:

۱. سند گفتار حکیمانه: این جمله - به گفته مرحوم خطیب در کتاب مصادر - از کلمات مشهور امام (علیه السلام) است که قبل از سید رضی «ابو حیان توحیدی» (متوفای ۳۸۰) در کتاب الامتاع والموانسة و بعد از سید رضی مرحوم آمدی در کتاب غررالحکم (با تفاوتی) آن را آورده است و از روایتی که رضی الدین علی بن یوسف حلّی (برادر علامه حلّی) در کتاب العدد القویة آورده است استفاده می شود که این جمله بخشی از وصیتی است که امام (علیه السلام) برای فرزندش امام حسن (علیه السلام) بیان فرموده است (البته با تفاوت هایی) و از جمله این تفاوت ها اضافه جمله «وَلَا وَبَرَ فَيَسْلُبُ» و نه پشمی دارد که آن را بچینند» است. (مصادر نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷)

۲. غررالحکم، ص ۳۱۸، ح ۷۳۵۰.

۳. همان، ص ۳۱۹، ح ۷۳۶۵.

۴. میزان الحکمه، ج ۸، ماده عزلت، ح ۱۲۹۱۱.

۵. مریم، آیه ۴۸.

۶. حجرات، آیه ۹.

به همین دلیل هنگامی که ابو مسلم به وسیله نامه ای پیشنهاد حکومت و خلافت را به امام صادق (علیه السلام) کرد امام آن را نپذیرفت زیرا می دانست در پشت پرده این قیام چه اشخاصی کمین کرده اند و به تعبیر دیگر امام می دانست این یک فتنه است که دو گروه باطل به جان هم افتاده اند و نباید به هیچ کدام امتیازی داد.

روایاتی که از ائمه هدی (علیهم السلام) درباره فضیلت عزلت و گوشه گیری به ما رسیده است غالباً ناظر به این گونه شرایط است.

از جمله امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) طبق آنچه در غررالحکم آمده می فرماید: «الْعَزْلَةُ أَفْضَلُ شَيْءٍ الْإِسْلَامِ؛ گوشه گیری برترین خصلت افراد باهوش و زیرک است». (۲) و در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم: «سَلَامَةُ الدِّينِ فِي إِعْتَزَالِ النَّاسِ؛ سلامت دین انسان درکناره گیری از مردم است». (۳)

در حدیث گویا و روشنی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم هنگامی از آن حضرت سؤال کردند: چرا گوشه گیری را انتخاب کرده اید؟ فرمود: «فَسَدَ الزَّمَانُ وَتَغَيَّرَ الْأَخْوَانُ فَرَأَيْتُ الْإِنْفِرَادَ اسْكَنَ لِلْفَوَادِ؛ زمانه فاسد شده و برادران تغییر روش داده اند به همین دلیل، آرامش دل را در تنهایی یافتم».

قرآن مجید نیز اشاراتی به این معنا دارد از جمله درباره حضرت ابراهیم می خوانیم که او گروه بت پرستان را مخاطب قرار داد و گفت: «(وَأَعِزَّلْنَاكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي)؛ از شما و آنچه غیر از خدا می خوانید و می پرستید کناره گیری می کنم و (تنها) پروردگارم را می خوانم. (۵)

در داستان اصحاب کهف نیز در آیه ۱۶ سوره «کهف» اشاره به گوشه گیری آنها از گروه فاسد و مفسد شده است. از آنچه گفته شد به خوبی روشن می شود که هرگز منظور امام (علیه السلام) این نبوده است که اگر گروهی باطل بر ضد مؤمنان و طرفداران حق برخیزند نباید به حمایت مؤمنان حق جو برخاست؛ این سخن بر خلاف صریح قرآن است که می فرماید: «فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ؛ (اگر گروهی از مسلمانان بر گروه دیگری ظلم و ستم روا داشتند این سخن بر خلاف صریح قرآن است



شهادت زندگی به سبک

مقام معظم رهبری درباره این شهید عزیز می فرمایند: «آن طلبه جوان - طلبه شهید جوان در تهران، آرمان عزیز - چه گناهی کرده بود؟ یک طلبه جوان؛ دانشجو بوده، آمده طلبه شده؛ متدین، مؤمن، متعبد، حزب اللهی. [اینکه او را] شکنجه کنند، زیر شکنجه او را بکشند، جسدش را ببندازند در خیابان. اینها کارهای کوچکی است؟ اینها چه کسانی اند؟ باید فکر کرد. اینها چه کسانی اند؟ اینها بچه های ما که نیستند، اینها جوان های ما که نیستند؛ اینها چه کسانی اند؟ از کجا دستور می گیرند؟ چرا این کسانی که مدعی حقوق بشرند اینها را محکوم نکردند؟»

شهید آرمان علی وردی متولد ۱۳ تیر سال ۱۳۸۰ ش در تهران است. او در رشته مهندسی عمران در دانشگاه پذیرفته شد و به گفته پدرش پس از یک سال تحصیل، به دلیل علاقه به درس های حوزه، از دانشگاه انصراف داد و وارد حوزه علمیه گردید. وی قبل از شهادت، تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی در تهران در پایه سوم می گذراند و بسیجی یگان امام رضا (ع) سپاه محمد رسول الله تهران بود. شرکت در اردوهای جهادی از دیگر فعالیت های او عنوان شده است.



میرهاشم حسینی در مورد شهید آرمان علی وردی گفت: «همان روز اول گفتیم آرمان (شهید علی وردی) از بهترین طلبه ها خواهد شد، او خیلی خوب پای مکتب اهل بیت می ایستد». وی در مورد ویژگی های اخلاقی و علمی این شهید ۲۱ ساله که به شکل مظلومانه ای شهید و فیلم لحظه جسارت ارادل به وی در شبکه های اجتماعی پخش شد افزود: «شهید آرمان علی وردی به کار جهادی در همه ایام کرونا و هم در کار تربیتی معروف بود. دشمن نخبه دانشگاهی و نخبه حوزوی را هدف گرفته است، هم فکرها را فراری می دهد هم از طریق تروریسم ذهنی و فکری آن ها را حذف می کند».

شهید علی وردی در اغتشاشات روز چهارشنبه ۴ آبان ۱۴۰۱ در شهرک اکباتان، از سوی عده ای ربوده شد و بعد از بستن وی و ضرب و شتم شدید با ضربات متعدد چاقو، وی را کنار خیابان رها کردند و بعد از چند ساعت توسط بسیجیان پیدا شد؛ وی سپس به بیمارستان بقیه الله (عج) منتقل می شود اما به دلیل شدت خونریزی، روز جمعه (۶ آبان) جان خود را از دست داده به شهادت می رسد.

در محضر خوبان

علامه طباطبایی (ره):

ممکن است انسان گاهی از خدا غافل شود و خدا یک تب سخت خطرناک چهل روزه به او بدهد، برای این که یک بار از ته دل بگوید: یا الله. (جرعه های جانبخش، نوشته غلامرضا گلی زوار، ص ۳۸۰)

گاهی یک عصبانیت، بیست سال انسان را عقب می اندازد. (ز مهر افروخته، نوشته سید علی تهرانی، ص ۸۳)

آیه الله تالهی همدانی:

رضایت امام بر زیارت امام مقدم است و از همین همدان هم می شود امام را زیارت کرد. (یادنامه آیه الله تالهی همدانی، ص ۲۲)

می خواهی بدانی ایمان داری یا نه، ملاحظه کن ببین نماز صبحت قضا شود بیشتر غصه می خوری یا ده تومان از بین برود. (همان، ص ۹۰)

آیه الله کشمیری (ره):

اگر سوره والعدایات روزی ۱۱۰ مرتبه خوانده شود، روزی حلال فراوان خواهد آمد. (روح و ریحان، نوشته علی اکبر صداقت، ص ۸۱)

آنان که غیض شدید دارند سوره الم نشرح لک صدرک را چند بار بخوانند که شرح صدر می آورد. (آفتاب خوبان، علی اکبر صداقت، ص ۲۹)

امام خمینی (ره):

سعی کن از مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می کند پرهیز نمایی که با خو گرفتن به این مجالس، ممکن است از انسان سلب توفیق شود که خود مصیبتی است جبران ناپذیر (نامه ۸/۲/۶۱ به سید احمدآقا)

آیه الله بهاء الدینی (ره):

اگر زرنگ هستید، در دستگاه خدا زرنگ باشید (کتاب نردبان آسمان، ص ۱۸۳)

نفس از موجودات ناری است و دشمنی آن با انسان، از شرق و غرب هم بیشتر است (کتاب سیری در آفاق، نوشته حسین حیدری کاشانی، ص ۱۸۱)

برای رهایی از مشکلات، راه هایی است که بهترین آنها را خود ما حس کرده ایم و به کمک آنها به حاجت هایمان رسیده ایم، که چهار چیز است: نذر کردن گوسفند برای فقرا، خواندن حدیث کساء به طور پی در پی، پرداختن صدقه و ختم صلوات (کتاب آیت بصیرت، ص ۶۸)

یاد خدا [صرفاً] سبحان الله و الحمد لله گفتن نیست؛ بلکه یاد خدا آن است که واجبات را انجام دهیم و اگر به محرمات الهی رسیدیم از آن دوری کنیم. (سیری در آفاق، ص ۱۴۶)



سلسله مباحث مهدویت

از لسان مبارک حجه الاسلام و المسلمین عابدینی



لزوم وجود حجت در زمین، در هر عصر و زمان

الباب الأول فیما یرتبط بالحجة بن الحسن علیه السلام قبل غیبه الصغری

نگاهی که داریم، نگاه هدایتی است. مثل سعی کنیم باعث حرکت بشود. آیه را ببینیم که عیب هایمان را اصلاح بکنیم. نه اینکه آینه را قیمت گذاری بکنیم. این کتاب مختصر است. روایات صحیحی را انتخاب کرده. باب بندی خوبی دارد. تفصیل روایات هم ممکن است برای ما که محدود است به هفته ای یک روز، بهره مندی مان را کم بکند. امر دائر به دو محرومیت است. بعضی روایات یک باب را نبینیم. بعضی ابواب را نبینیم. ابواب بیشتر ترجیح دارد. قسمت امام زمان اثبات الهدی را میپسندیدم. نورانیت نقل هم از مصنف و باب بندی اش انسان را ترغیب میکند. بعضی کتب هم دسته بندی و تبویت خوبی دارد. بحثی که ایشان به عنوان اولین باب آغاز میکنند، بحثی است که بحث کلی وجود حجت در ارض که از ابواب ضرورت حجت در کافی شریف، که ابواب مختلفی را منعقد کرده است، در کافی شریف، در ابتدای بحث امامت و حجت، جا دارد در کافی آن ابواب مفصلاً دیده بشود.

جا داشت که ضرورت حجت دیده بشود. اما چون در کافی می آید، به این باب اکتفا میکنیم. تفصیلش باشد برای کتاب الحجة کافی. اصل بحث وجود امام زمان، یکی از عجایب روزگار است. ما با حجاب عادت عادت کردیم و آنطور شاید تعجب آور نباشد، اما اینکه خداوند چنین سنتی قرار داده و این سنت را به عنوان سری از اسرار خودش و امری از امور خودش معرفی کرده است. سر من اسرار الله، و امر من امر الله، غیبت اینطور نیست که فقط عقاب باشد. که اگر غیبت آمده ما به عنوان ظلم و جور بندگان ببینیم که غیبت از باب جزا و عقاب مومنین باشد. یا غیر مومنین چون آمادگی نداشتند. این یکی از علل طول کشیدن است. این یک مثبت است. علت طولانی شدن غیبت است. اما اصل الغیبة جزء یکی از مواظن انسانی است که باید محقق میشد. چه ظلم ظالمی بود و چه نبود، خداوند اصل غیبت را محقق میکرد. دارد که سنت های انبیاء باید در وجود وصی آخر پیاده بشود. یکی از آنها غیبت است. علت هم دارد. در رابطه با عبور از ظاهر به باطن، امکان پذیر نمیشود مگر اینکه غیبت محقق بشود. مردم در رابطه استفاده از امام زمان، از ابتدای بعثت سوق داده شده اند که از ظاهر به باطن منتقل بشوند. دشمن هم کوتاهی نکرده است. اما برنامه الهی به هم نخورده است. خداوند میخواست ظاهر باشد. اما برنامه خداوند به هم ریخت و باطن شد. دشمن نمیتواند جلوی قدرت حضرت حق بایستد. دشمن می تواند عامل بشود برای پیاده شدن آن نقشه. البته طول کشیدن و محرومیتش اختیاری است. و عقاب دارد برای ما. نگاه ما برای غیبت امام زمان، اصل غیبت عقاب نیست.



کسی آمد خدمت امام صادق یا امام باقر علیه السلام، گفت اسم اعظم را میخوام. حضرت دستور دادند، انداختند او را در آب عمیقش. ولش کردند. داد و فریاد کرد. حضرت شروع کردند گفتگو با افرادش. اینها دلشان داشت شور میزد که این دارد غرق میشود. حظه ای که یقین کرد اینها بهش کاری ندارند، وقتی منقطع شد، رابطه ای ایجاد شد بین او و خدا. فرمودند اسم اعظم آن بود.

اگر بخواهند بهمان بدهند، حاضر نیستیم به این مرتبه اش. در دوران غیبت اخذ و رابطه اینطوری افتادن است. به این فشار ها و سختی ها...

برای اینکه میخواد انقطاع ایجاد بشود. رویت حضرت و ارتباط بر آن اساس نیست که منافقین میرفتند کنار نبی اکرم و حضرت امیر می نشستند. در رابطه با حضرت این امکان پذیر نیست. سلطه اسم الباطن است. هر کسی نزدیکتر است که نزدیکتر است وجودا. طهارت وجودی می خواهد. دیگر نزدیکی امکان پذیر نیست. بعضی از اینها را در دوران حضرات روشن می کردند. ابوهارون مکفوف، ابو بصیر سوال می کند در مورد امامت، امام به ابابصیر گفتند پیرس از مردم. ایستاده بود حضرت کنار ابا بصیر. مردم نمی دیدند. از کوری سوال کردند، گفت مگر نمی بینی.

رابطه ای که در زمان ظهور میخواد محقق بشود این رابطه است. بسیاری از چشم دار ها نمی بینند. چون دایره مدار چشم نیست. رابطه بدنی نیست. رابطه وجودی است. رابطه حقیقی میخواد محقق بشود. اسم الباطن که در قیامت میخواد آشکار بشود، مرتبه ای از او میخواد در ظهور محقق بشود. مرحوم علامه در ذیل آیه ۲۱۰ سوره بقره، حتما رجوع بکنید، اینجا هم اشاره میشود در یکی از فصل ها، آنجا میفرمایند بعضی از آیات، ذیلشان روایاتی آمده که این آیه مربوط به ظهور است. بعضی روایات گفته اند مربوط به رجعت است. بعضی گفته اند راجع به قیامت است. مفسرین تعارض دیده اند. گاهی کنار گذاشته اند.

ادامه دارد....

منبع:

موسسه فرهنگی آموزشی تمحیص/مرکز تنظیم و نشر آثار استاد محمدرضا عابدینی

بلکه یک حقیقت کمالیه است. لذا از نبی ختمی، امیر مومنان، امام صادق، مکرر از حضرات وارد شده است که آرزو میکردند در این دوران باشند. یکی از این احادیث در مقدمه دومی که آورده اند، ذکر کرده اند. بعد بیان کرده اند. رجوع کنید. در مباحث تفصیلی بعدا ذکر میکنم. شوقا شوقا الی لقاء اخوانی. از نبی ختمی و امام صادق و امیر مومنان نشان میدهد که اینها مشتاق بودند. میفرمایند شما یاران من هستید. برادران من کسانی هستند که آمنوا علی سواد علی بیاض. بدون اینکه ظاهرا ما را ببینند، ایمان می آورند. این ایمان عظیم است. ساده نیست.

در کنار اینکه انسان در محضر امام به صورت ظاهری نیست، در محضر امام است حقیقتا. میخواد سوق بدهند که رابطه از بدن عبور بکند. غیبت از بدن است. روایات ضرورت وجود حجت را که ببینید، امکان ندارد حجت حاضر نباشد. معنا نمیدهد. اینکه با نبودن متفاوت است به خاطر این است که غیبت از بدن دارد محقق میشود. انسان عبور بکند. بدن ملاک رابطه نباشد.

همان حقیقتی که برای ارتباط با خدا که در قالب ظهور بدنی امکان پذیر نیست، دارد سوق داده میشود کمالات به سمتی که آن معرفت نسبت به امام که روح عالم است، حقیقت عظیم عالم وجود است، واسطه تقدیر عالم است، واسطه فیض است، آن رابطه مکشوف بشود. در کنار هدایتگری، رشد عقول محقق بشود. این تابلو و نگاه به امام زمان و دورانی که ما در آن هستیم به عنوان دوران غیبت، هم رسالت امام زمان را سنگین میکند، چون عبور دادن همه افراد بشری است در دوران ظهور، از ظاهر به باطن، که خیلی از مشکلات و سختی ها و فشار ها باید ایجاد بشود، چون با فشارها و سختی ها تعلق ها گسسته می شود. خلوص ایجاد می شود. وقتی در کشتی می نیشینند و ترس غلبه می کند، خدا را با اخلاص می خوانند.



السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ الْمَصَائِبِ

يَا زَيْنَبِ كُبْرَى وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَفَعَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ